

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۰۹

نویسنده: ن. جلیل زاد

چرا می‌خندی؟ پاسخ شما شاید این باشد: «چون هنوز زنده‌ام»



وقتی اخلاق را با { چوب ، دانگ و سوتِه } تعریف می‌کنند شادی و سرور و خوشی ، گناه کبیره است و آزادی، جرم نابخشودنی.

پولیس مذهبی و بحران اخلاق در جامعه ای نگون بخت ما. در گوشه‌ای از جهان، هنوز کسانی هستند که فکر می‌کنند اخلاق را باید با چوب، شلاق، و تهدید به زندان به مردم آموخت .

پولیس مذهبی، یا همان نهادهای امر به معروف و نهی از منکر، با چهره‌ای عبوس، نگاهی پر از سوءظن، و زبانی آغشته به تهدید، در کوچه ها سرگردان و گشت می‌زنند تا مبدا کسی لبخند بزند، موسیقی گوش دهد، یا رنگی غیرمجاز بپوشد .

گویی شادی و سرور و خوشی ، گناه کبیره است و آزادی، جرم نابخشودنی.

پولیس مذهبی

چه می‌خواهد ؟

پولیس مذهبی، در ظاهر، مدعی است که می‌خواهد جامعه را از فساد، بی‌اخلاقی و انحراف نجات دهد .

اما در عمل، بیشتر به دنبال کنترل رفتارهای فردی، سرکوب تنوع، و تحمیل یک قرائت خاص از دین است .

این نهادها، نه حافظان اخلاق، بلکه مأموران انضباط ایدئولوژیک‌اند .

آن‌ها می‌خواهند جامعه را به قالبی یک‌شکل، بی‌روح و مطیع درآورند، قالبی که در آن، فردیت، خلاقیت و شادی جایی ندارد.

اخلاق در نگاه پولیس مذهبی

برای پولیس مذهبی، اخلاق یعنی اطاعت .

یعنی پوشش خاص، رفتار خاص، و حتی فکر خاص .

اخلاق، در این نگاه، نه محصول انتخاب آگاهانه انسان، بلکه نتیجه اجبار و ترس است .

این نوع اخلاق، بیشتر شبیه انضباط نظامی است تا فضیلت انسانی .

اگر اخلاق را با ترس بیاموزیم، آن‌چه می‌ماند، ریاکاری است، نه انسانیت.

دستوراتی که کودک

صنف چهارم هم می‌فهمد

دستورات مذهبی، در ساده‌ترین شکل، می‌گویند: خوب، خوب است و بد، بد است .

اما مشکل از آن‌جا آغاز می‌شود که چه کسی «خوب» و «بد» را تعریف می‌کند؟

آیا خوب یعنی آن‌چه پولیس مذهبی می‌گوید؟ یا آن‌چه وجدان انسانی تشخیص می‌دهد؟

اگر اخلاق فقط در چارچوب دین تعریف شود، آن‌گاه هر کس که خارج از آن چارچوب فکر کند، بی‌اخلاق تلقی می‌شود، حتی اگر مهربان، صادق و مسئول باشد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

اخلاق انسانی،
 فراتر از دین
 اخلاق، پیش از دین وجود داشته و پس از آن نیز خواهد بود .
 سقراط، پیش از ظهور ادیان ابراهیمی، دربارهٔ فضیلت، عدالت و خیر اندیشیده بود .
 انسان، به عنوان موجودی اجتماعی، نیازمند اصولی برای همزیستی است، اصولی که می‌توانند دینی باشند، اما الزاماً
 نباید باشند. کسی که بی دین است، الزاماً بی‌اخلاق نیست، همان‌طور که بسیاری از دینداران، اخلاق را قربانی تعصب
 کرده‌اند.
 جامعه‌شناسی
 قید و بند
 جامعه‌ای که در آن پولیس مذهبی فعال است، جامعه‌ای است که به جای اعتماد، بر کنترل بنا شده .
 در چنین جامعه‌ای، مردم به جای آن‌که با وجدان خود رفتار کنند، با ترس از مجازات زندگی می‌کنند .
 این ترس، روح جمعی را فرسوده می‌کند، خلاقیت را می‌کشد، و نشاط را به جرم تبدیل می‌کند .
 جامعه‌ای که در آن خنده ممنوع است، دیر یا زود به گریهٔ جمعی خواهد رسید.
 طنز تلخ
 شادی ممنوع، عبوسی واجب
 تصور کنید که در کوچه‌ها کابل مغموم و یا سایر شهرها راه می‌روید، لبخند می‌زنید، و ناگهان مأموری با چهره‌ای
 عبوس و ترسناک به شما نزدیک می‌شود: «چرا می‌خندی؟»
 پاسخ شما شاید این باشد: «چون هنوز زنده‌ام!»
 اما در منطق پولیس مذهبی، زنده بودن کافی نیست، باید مطیع، بی‌صدا و بی‌لبخند باشید. گویی شادی، ویروسی است
 که باید قرنطین شود.
 تاریخچهٔ کنترل اخلاق
 در قرون وسطی، کلیسا با ابزار تفتیش عقاید، اخلاق را کنترل می‌کرد .
 در برخی جوامع اسلامی، پولیس مذهبی این نقش را ایفا می‌کند .
 در هر دو مورد، هدف، نه تربیت انسان اخلاقی، بلکه ساخت انسان مطیع است .
 تاریخ نشان داده که این نوع کنترل، نه تنها اخلاق را تقویت نمی‌کند، بلکه به ریا، نفاق و سرکوب منجر می‌شود.
 راه‌هایی
 بازتعریف اخلاق
 برای راهی از انحصار اخلاق در دست دین، باید اخلاق را بازتعریف کنیم، به عنوان مجموعه‌ای از اصول انسانی،
 جهانی و قابل گفت‌وگو .
 اخلاق باید بر پایهٔ همدلی، احترام، صداقت و مسئولیت‌پذیری و توافق رفتار میان انسان‌ها بنا شود، نه بر اساس
 ترس، اجبار و تعصب. جامعه‌ای اخلاقی، جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها با وجدان خود زندگی می‌کنند، نه با ترس
 از مأمور و پولیس مذهبی.
 گپ آخر
 اخلاق با لبخند
 اخلاق، اگر با تهدید آموزش داده شود، به ضد خود بدل می‌شود .
 پولیس مذهبی، اگر واقعاً دغدغهٔ اخلاق دارد، باید از کوچه‌ها و پس کوچه‌های کابل و شهرهای ما به کتابخانه‌ها،
 از تهدید به گفت‌وگو، و از اجبار به آموزش روی آورد .
 جامعهٔ اخلاقی، جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها می‌توانند شاد باشند، بی‌آن که متهم شوند .
 و شاید، روزی برسد که پولیس مذهبی، به جای پرسیدن «چرا می‌خندی؟»، بپرسد: «چگونه می‌توانیم با هم بهتر
 زندگی کنیم؟»

آرشیف: مطالب نشر شدهٔ ن. جلیل زاد